

منطق حاکم بر مناظره امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان

معصومه زارع (کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام و عقاید دانشگاه قرآن و حدیث)

abo.torab1@yahoo.com

محمد رنجبر حسینی (استادیار گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث)

ranjbarhosseini@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴)

چکیده

مناظره یکی از راه‌های کشف حقیقت برای طالبان آن است. در طول تاریخ، خصوصاً در عصر امامان معصوم علیهم السلام خود ائمه یا اصحابشان برای دفاع از حقانیت تشیع و اسلام مناظراتی داشته‌اند. یکی از این مناظرات مناظره امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان برای اثبات حقانیت اسلام و نبوت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به تحقیق و بررسی مناظره امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان می‌پردازد که در منابع حدیثی آمده است. تا منطق حاکم بر مناظره ایشان از نظر ساختار، محتوا و اصول اخلاقی را کشف و استخراج کند. امام رضا علیه السلام در مناظره خود با اصحاب ادیان با به‌کارگرفتن اصول فنی مناظره، براهین عقلی، بهره‌گیری از باورهای دشمن و رعایت اصول اخلاقی، پیروز این مناظره شد.

کلیدواژه‌ها: مناظره، روش‌شناسی، امام رضا علیه السلام، اصحاب ادیان.

مقدمه

روش‌شناسی از ضرورت‌های نوین دین‌پژوهی است که در بستر تحولات سده اخیر اهمیت ویژه‌ای یافته است. مطالعات دینی در جامعه ما از آغاز سده اخیر، تحولات پرفراز و نشیبی داشته؛

این تحولات از سویی برخاسته از توسعه سیاسی است و از سوی دیگر متأثر از تحولات جهانی پس از قرن هیجدهم. انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های روزافزون فناوری اطلاعات، به‌ویژه پدیده جهانی شدن، نه‌تنها محققان اسلام‌شناس را با مسائلی کاملاً نوینی درگیر کرده، بلکه ذهن و زبان مخاطبان وحی را نیز دگرگون ساخته است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۰: ۱۹).

البته توجه به روش و روش‌شناسی به معنای عام در حوزه اسلام، مناظره هم‌زمان با نزول آیات قرآن، در کلام خداوند و سخنان پیامبر ﷺ شکل می‌گیرد و در ادامه با سیره اهل بیت ﷺ، اعم از گفتار و رفتار تداوم می‌یابد. آیاتی همچون ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵) و بیان روش مخالفان انبیا در طول دعوت پیامبران و روش مواجهه انبیا و اولیا با مخالفان، نمونه‌هایی روشن از توجه به روش صحیح تبلیغ دین و نقد روش مخالفان دین است. در سیره اهل بیت نیز موضوع در دو بخش قابل بررسی است: یکی اصول و مبانی عملی روش تبلیغ دین و دیگری روش علمی ائمه در بیان معارف دین و دین‌پژوهی از منظر ایشان.

بنا بر این به نظر می‌رسد مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به روش دین‌پژوهی، استخراج آن از سیره و کلام معصومین ﷺ است؛ چنان‌که این بزرگواران خود نیز به این امر فرمان داده‌اند: *إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نَلْقَى الْيَكْمَ الْأَصُولَ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَفْرَعُوا* (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲۴۵/۲).

از میان ائمه بزرگوار شیعه، امام رضا ﷺ که عالم آل محمد خوانده شده‌اند از موقعیتی ویژه برخوردارند؛ موقعیتی که، در حقیقت، چهره‌ای بین‌المللی و تقریبی از ائمه ﷺ به تصویر کشیده است؛ گرچه شخصیت برجسته ایشان نیز آن‌چنان‌که شایسته و بایسته است به جهان و حتی دنیای اسلام معرفی نشده است. بررسی مناظرات امام رضا ﷺ که نسبت به سایر امامان بزرگوار ﷺ، امکانات و فرصت‌های مناسب‌تری در مناظره و گفت‌وگو با اصحاب ادیان و مذاهب داشته‌اند، علاوه بر آشکار کردن وجهه علمی و اتقان کلام امام و شناساندن ایشان به‌عنوان دانشمندی تقریبی و بین‌المللی، گامی مؤثر است در دستیابی به روش صحیح تبیین و اثبات دین، به‌ویژه در بخش اصول عقاید و علم کلام.

البته این نکته شایان توجه است که خود امام ﷺ در اعتقاد شیعه، یکی از سرچشمه‌ها و منابع دین محسوب می‌شود، اما از آن‌جا که امام ﷺ در مناظرات، در کسوت یک متکلم، به تبیین دین و دفاع از آن پرداخته‌اند، می‌توان مناظرات امام را از همین منظر بررسی کرد. از این رو

مناظرات، یکی از منابع ارزشمند است که می‌توان از آن علاوه بر معارف غنی شیعی، روش‌شناسی دفاع از دین را، استنباط نمود که بخشی مهم از روش‌شناسی علم کلام را در بر می‌گیرد.

علاوه بر آن، گفت‌وگو و مناظره، در حال حاضر از سویی به‌عنوان کارآمدترین روش در استراتژی تقریب مذاهب مطرح است تا فرهنگ مشاجره و اختلاف را به مصالحه و تفاهم تبدیل کند؛ و از سوی دیگر موقعیت‌های جدید ناشی از جهانی‌شدن ارتباطات، ما را ناگزیر از برخورد و گفت‌وگو با ادیان و مکاتب فکری دیگر می‌نماید. مواجهه سودمند و نتیجه‌بخش با این ضرورت‌ها مستلزم به‌کارگیری ابزار گفت‌وگو و مناظره در قالبی روش‌مند برای دستیابی به هدف نهایی تعارف و تفاهم است. بررسی ساختار و روش‌های مناظرات ائمه علیهم‌السلام می‌تواند با ارائه روش‌های صحیح مناظره و گفت‌وگو در عرصه گفتمان میان ادیان و مذاهب، الگویی مناسب پیش روی ما قرار دهد.

بر این اساس بررسی روش‌شناختی مناظرات امام رضا علیه‌السلام با اصحاب ادیان، به‌عنوان بخشی از گنجینه معرفتی ما، می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل حاصل از گسترش ارتباطات جهانی باشد و بستری گسترده برای رویارویی اندیشه‌ها، ادیان و مذاهب فراهم کند؛ چراکه دشواری فراروی امت اسلامی، نه اصل اختلافات و تعدد مذاهب یا فرقه‌ها، بلکه نحوه مواجهه اصحاب مذاهب با رقیبان خود و شیوه حل و فصل مناقشات علمی و عقیدتی است.

۱. تعریف اصطلاحات

۱-۱. روش‌شناسی

روش‌شناسی در محدودترین معنا، بررسی یا توصیف روش‌ها یا روال‌هایی است که در فعالیتی به کار گرفته می‌شود (استالی براس، ۱۳۶۹: ۳۳۹ - ۳۴۰). بر اساس این تعریف، روش‌شناسی عبارت است از شناخت روش‌هایی که در هر فعالیتی - اعم از فعالیت علمی و نظری و یا فعالیتی عملی و غیر مرتبط به دانش نظری - کاربرد دارد. بنا بر این علم روش‌شناسی علم بررسی و شناخت روش‌هاست. اما اصطلاح روش‌شناسی به معنای خاص، اساساً به شناخت و کشف روش علوم اشاره دارد. یعنی صرفاً علم بررسی و شناخت روش فعالیت علمی و روش تحصیل علم است. لذا روش‌شناسی در این معنا به شناخت چگونگی تولید نظریه و مسیر تحصیل علم و شاخه‌های آن

می‌پردازد. بنا بر این روش‌شناسی، علم به علم است از یک حیث خاص؛ یعنی علم به مسیر تحصیل علم است (پارسانیا، ۱۳۸۸: ۴۰).

۱-۲. مناظره

مناظره مصدر باب مفاعله و مشتق از ریشه «نَظَرَ» و به معنای نگاه کردن همراه با تأمل و اندیشیدن در چیزی است. در کتاب‌های لغت مناظره اغلب به معنای مجادله و مباحثه آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق: ۱/۸۱۴). در ادب فارسی نیز این واژه به معنی جدال کردن، با هم بحث کردن، با هم سؤال و جواب کردن، با هم نظر کردن؛ یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی، مجادله و نزاع با همدیگر و نیز بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۱۵).

مناظره در اصطلاح اهل فن، عبارت است از توجه دو طرف گفتگو در اثبات نظر خود درباره حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها برای بیان و روشن کردن حق و صواب (سجادی، ۱۳۶۶: ۳۶۴). ابن سینا درباره مناظره می‌گوید:

مناظره از ریشه نظر و اعتبار گرفته شده و غرض از آن بحث درباره دو دیدگاه متقابل است. هر یک از مناظره کنندگان، تأیید یکی از دیدگاه‌ها را برای ایجاد علم در طرف دیگر بر عهده دارد و از این رو مناظره به بحث آموزش مربوط می‌گردد؛ چراکه هدف از مناظره حصول علم است (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۲۲).

مناظره یا احتجاج که نوعی استدلال در بحث و گفت‌وگوی طرفینی است، بر سه قسم است: مناظره برهانی، جدلی و مغالطی (ر.ک، غرویان، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۴)

بر اساس آنچه گفته شد منظور از مناظرات امام رضا علیه السلام در این پژوهش آن دسته از گفت‌وگوها و مباحثات امام علیه السلام است که در آن‌ها طرفین مناظره در پی تصدیق و اثبات نظر خود هستند. از این رو شعر و خطابه‌های امام و پرسش و پاسخ‌هایی که میان ایشان و شاگردانشان رد و بدل شده است از دایره بحث خارج می‌شوند.

۱-۳. اصحاب ادیان

منظور از اصحاب ادیان عالمان و بزرگان ادیان الهی است که به‌عنوان نماینده ادیانی چون یهودیت مسیحیت و زردشتی به بیان عقاید خود می‌پرداختند. از آن‌جا که اسلام امر به معروف و

نهی از منکر را به عنوان بهترین شیوه رویارویی با مخالفان و منحرفان معرفی کرده است؛ و از آنجا که والاترین امر به معروف، ارشاد مردم به دین حق و مهم‌ترین نهی از منکر بازداشتن گمراهان از باورهای فاسدشان است، ائمه علیهم‌السلام و در رأس آنان امام رضا علیه‌السلام، بیشتر همت خود را به ارائه حقیقت دین و هدایت گمراهان قرار دادند. امام رضا علیه‌السلام در مناظرات با «رأس الجالوت» (بزرگ یهودیان) و «جائلیق» (بزرگ مسیحیان) به گفتگو می‌پردازند و درباره مسائل مختلفی از جمله حقانیت دین اسلام بحث می‌نمایند. علاوه بر این دو نفر، از دیگر اصحاب ادیان که امام علیه‌السلام با آنان مناظره کردند، بزرگ زردشتیان است که امام در باب مسأله پیامبری حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با وی گفتگو می‌کنند.

۲. منطق حاکم بر ساختار مناظره امام رضا علیه‌السلام با اصحاب ادیان

آنچه در سیره و روش امام کاملاً مشهود است، پرهیز امام از حصرگرایی در روش، و تکیه بر یک روش و ابزار خاص در تفهیم و تفهّم است. امام علیه‌السلام مراتب مختلفی برای معرفت قائل‌اند که دستیابی به هر یک از این مراتب با ابزار و روش ویژه‌ای ممکن می‌گردد. منطق ساختاری مناظرات امام رضا علیه‌السلام دارای طیف وسیعی است؛ اما از آنجا که هدف این نوشتار بررسی مناظراتی است که با اصحاب ادیان صورت گرفته است، منطق ساختاری حاکم بر این دسته از مناظرات، در قالب نکات زیر بیان می‌گردد:

۲-۱. پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی

یکی از روش‌های پاسخ به شبهات اعتقادی، استفاده از پاسخ نقضی است. پاسخ نقضی آن است که مبتنی بر استدلال شبهه‌کننده، مثال نقض ارائه شود که بتواند ساختمان استدلال او را فرو ببرد. مثال نقض باید از امور یقینی شبهه‌کننده باشد تا بتواند او را بر سر دو راهی قرار دهد. چون شبهه‌گر نمی‌تواند در برابر امور یقینی شبهه‌کننده، یا از اعتقادات قبلی خود دست بکشد، ناچار است از استدلال خود صرف نظر کند. نکته مهم این‌که در مسیر پاسخ به شبهه، ارائه پاسخ‌های نقضی باید مقدم بر پاسخ‌های حلی باشد. دلیلش این است که با پاسخ نقضی استدلال شبهه‌گر در هم می‌شکند و به دنبال آن، زمینه مناسب برای ارائه جواب‌های حلی آماده می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام در موارد متعددی از این روش در مواجهه با مخالفان و شبهه‌کنندگان استفاده کرده‌اند.

نمونه‌ای از استفاده از روش نقضی در مناظرات امام علیه السلام در گفتگوی آن حضرت با جاثلیق است که برای حضرت عیسی علیه السلام مقام الوهیت قائل بودند. به وی می‌فرمایند:

امام علیه السلام: نصرانی! به خدا قسم ما ایمان به عیسایی داریم که ایمان به محمد صلی الله علیه و آله دارد و هیچ ایرادی به عیسای شما نداریم جز ضعف و ناتوانی و کمی روزه و نمازش.

جاثلیق: علم خود را تباه کردی و امر خود را تضعیف نمودی. من گمان می‌کردم تو داناترین فرد مسلمان هستی.

امام علیه السلام: منظورت چیست؟

جاثلیق: از طرف شما که می‌گویید عیسی کم روزه می‌گرفت و نماز کم می‌خواند با این که عیسی نه یک روز افطار کرد و نه شبی را خوابید و در تمام سال روزه داشت.

امام علیه السلام: برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟

جاثلیق زبانش بند آمد و نتوانست جوابی بدهد (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲/۲۹۵).

۲-۲. پاسخ به شبهه با روش اقرار گرفتن

پاسخ دهنده به شبهه باید در مقام پاسخ‌گویی، همه جوانب را در نظر بگیرد و نسبت به شرایط، روش مناسب را انتخاب کند. گاهی شبهه‌کننده کسی است که احتمال گریز و طفره رفتن او از مطالب حق، وجود دارد، یا از کسانی است که می‌توانند با مهارت، عقاید باطل خود را توجیه کنند. در چنین مواقعی یکی از روش‌های مناسب برای دفع شبهه، اقرار گرفتن از طرف مقابل است؛ این اقرار گرفتن در ابتدا باید از مبانی مورد قبول شبهه‌کننده باشد. فایده این کار آن است که باعث می‌شود بحث از اصول و پایه‌های مشترک و مورد اعتراف طرف مقابل شروع شود. در ادامه می‌توان با استدلال‌های مناسب، با اقرارهای شبهه‌کننده، او را در مقابل اعتراف‌های خود قرار داد و به بن‌بست کشاند.

نمونه این روش، مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق است. در این مناظره حضرت به‌طور مکرر پیش از هرگونه استدلال از جاثلیق اقرار می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به بحثی که در باب حقانیت دین اسلام مطرح شد اشاره کرد. آنجا امام علیه السلام سفر سوم از انجیل را قرائت کردند تا رسیدند به جایی که از پیامبر اسلام ذکر شده بود. سپس فرمودند:

تورا به حق مسیح و مادرش قسم می‌دهم، آیا دانستی که من عالم به انجیل هستم؟
گفت: بله (ابن بابویه، بی‌تا: ۱/۳۲۰).

سپس مطلب مربوط به محمد و اهل بیت و امتش را تلاوت فرمود و گفت: «حال چه میگوی؟ این عین گفتار حضرت مسیح علیه السلام است؛ اگر مطالب انجیل را تکذیب کنی، موسی و عیسی علیهم السلام را تکذیب کرده‌ای و اگر این مطلب را منکر شوی، قتل واجب است، زیرا به خدا و پیامبر و کتابت کافر شده‌ای».

جائلیق گفت: «مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم، بلکه بدان اذعان دارم».

حضرت فرمودند: «شاهد بر اقرار او باشید» (همان).

نمونه دیگر در مناظره با «رأس الجالوت» بزرگ یهودیان است. امام رضا علیه السلام از او درباره نبوت حضرت موسی علیه السلام می‌پرسند. رأس الجالوت در پاسخ به معجزات آن حضرت استناد می‌کند و بیان می‌دارند که حضرت موسی علیه السلام کارهایی انجام دادند که هیچ کس قادر به انجام آنها نبود.

امام علیه السلام: صحیح است که دلیل موسی بر نبوتش این است که چیزهایی آورد که کسی مانند آن را نیاورده؛ مگر هرکسی ادعای نبوت کرد و چیزی آورد که کسی نتوانست مانند آن را بیاورد، لازم نیست او را تصدیق کنیم؟

رأس جالوت: نه، زیرا موسی در مقام نزد پروردگار و نزدیکی به خدا نظیر نداشت و ما نمی‌توانیم اقرار به ادعای نبوت کسی بکنیم مگر اینکه برای ما شبیه حضرت موسی باشد.

امام علیه السلام: پس چگونه اقرار به انبیای پیش از موسی دارید با اینکه دریا نشکافتند و از سنگ دوازده چشمه خارج نکردند و ید بیضاء نداشتند و عصا را اژدها نمودند؟

رأس جالوت: قبلاً گفتم وقتی برای اثبات نبوت خود معجزاتی بیاورند که مردم نتوانند مانند آن را بیاورند، اگر چه مثل معجزات موسی نباشد، واجب است آنها را تصدیق کنیم.

حضرت رضا علیه السلام در ادامه به معجزات حضرت عیسی علیه السلام اشاره می‌کنند و این که ایشان نیز معجزاتی انجام داده‌اند که دیگران قادر به انجام آن نبوده‌اند.

رأس جالوت: می‌گویند چنین کرده ما ندیده‌ایم!

امام علیه السلام: مگر آنچه حضرت موسی آورده مشاهده کرده‌ای؟ مگر نه این است که از اصحاب مورد اعتماد حضرت موسی اخبار متواتری رسیده که این کارها را کرده؟ همین طور اخبار

متواتر رسیده به آنچه عیسی بن مریم انجام داده، چه شده که موسی را تصدیق کرده‌اید
اما به عیسی ایمان ندارید؟

رأس الجالوت نتوانست در برابر منطق صحیح و استوار امام پاسخی بیان کند لذا به درستی
سخن امام اقرار می‌کند (همان).

۲-۳. پاسخ به شبهه با نشان دادن تضاد در عقاید شبهه کننده

ناسازگاری و دوگانگی در اجزای عقاید یک فرد، دلیل سستی و ضعف در عقاید او است. اگر
متکلم، بتواند با واکاوی عقاید شبهه کننده، تضاد و دوگانگی در عقاید او را نشان دهد و
ناسازگاری التزام او به مفاد شبهه را با دیگر عقاید او بنمایاند، شبهه کننده از موضع خود عقب
خواهد نشست و نادرستی ادعای او آشکار خواهد شد. نمونه بارز این روش، مناظره امام رضا علیه السلام
با رأس الجالوت است.

در بخشی از این مناظره، امام علیه السلام با چند پرسش از وی درباره نبوت حضرت موسی علیه السلام و
دلایل آن‌ها بر این نبوت، به روشنی تضاد و دوگانگی اعتقاد آنان را برملا فرمودند. مثلاً او از یک
طرف ادعا می‌کرد تنها نبوت کسی که معجزات حضرت موسی علیه السلام را بیاورد تصدیق خواهد کرد و
از سوی دیگر نبوت پیامبران قبل از حضرت موسی علیه السلام را می‌پذیرفت، در حالی که معجزات آن‌ها
متفاوت بود. یا از یک سو ادعا می‌کرد باید معجزات حضرت عیسی علیه السلام را ببیند تا ایمان بیاورد و از
سوی دیگر بدون دیدن معجزات حضرت موسی علیه السلام نبوت او را قبول داشت و مواردی از این
دست (نک: ۲-۲۰).

۲-۴. استفاده از قواعد عقلی

امام رضا علیه السلام در مناظره با جاثلیق، بزرگ مسیحیان، در رد الوهیت حضرت عیسی - که ذکرش
گذشت - از این روش استفاده نموده‌اند:

امام علیه السلام: انکار نمی‌کنی که عیسی مرده زنده می‌کرد به اجازه خدا؟

جاثلیق: این مطلب را انکار می‌کنم زیرا کسی که مرده زنده کند و کور را بینا نماید و برص را شفا
دهد شایسته پرستش است.

امام علیه السلام: یسع نیز کار حضرت عیسی را کرد، به روی آب راه رفت و مرده زنده کرد و کور و برص
را شفا بخشید ولی امت او یسع را خدا نمی‌دانستند؛ هیچ‌کس او را پرستش نمی‌کرد.

حزقیل پیامبر نیز کار عیسی مسیح را انجام داد. سی و پنج هزار نفر را بعد از مرگ زنده کرد با این که شصت سال از مرگ آن‌ها گذشته بود.
سپس روی به رأس الجالوت (رئیس کلیمیان) نمود و فرمود:

در تورات دیده‌ای که بخت نصر هنگامی که در بیت المقدس جنگ کرد، جوانان بنی اسرائیل را از میان اسیران انتخاب کرد و آن‌ها را به بابل برد؟ خداوند حزقیل را مبعوث نمود و آن‌ها را زنده کرد این مطلب در تورات هست، هر کس منکر شود کافر است.

رأس الجالوت: شنیده‌ام و می‌دانم شما راست می‌گویید.

امام علیه السلام: اینک گوش کن تا آن سفر را بخوانم.

امام رضا علیه السلام شروع به خواندن تورات کرد. یهودی از این قرائت در شگفت شد. سپس روی به جائلیق نمود و فرمود:

این‌ها قبل از عیسی بودند یا عیسی قبل از آن‌ها؟

جائلیق: قبل از عیسی بودند.

امام علیه السلام: قریش خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجتماع نمودند و تقاضا کردند مرده‌هایشان را زنده کند. پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام را فرستاد. فرمود: «با این‌ها به قبرستان برو و نام این‌ها را با صدای بلند فریاد بزن. فلانی! فلانی! و بگو محمد رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گوید: «به اذن خدا از جای حرکت کنید». از جای حرکت کردند در حالی که خاک از سر خود می‌افشانند. قریش شروع کردند به پرسیدن از وضعیتشان. به آن‌ها گفتند حضرت محمد صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شده. گفتند ای کاش ما او را درک می‌کردیم و ایمان به او می‌آوردیم. او کور و برص و دیوانه را شفا بخشید و چهارپایان و پرنده‌ها و جن و شیاطین با او صحبت می‌کردند. ولی ما پیامبر خودمان را به‌عنوان پروردگار نپذیرفتیم. در مقابل خدا منکر فضل هیچ‌کدام از پیامبران هم نیستیم، اما شما که عیسی را خدا می‌دانید باید حزقیل و یسع را نیز خدا بدانید چون همان کار عیسی را انجام دادند... غیر از آن موسی بن عمران و آن هفتاد نفری که انتخاب کرد تا با او به کوه بیایند. گفتند تو خدا را دیده‌ای، به ما نیز نشان بده. گفت من خدا را ندیده‌ام. گفتند ما تا خدا را آشکارا نبینیم، ایمان نمی‌آوریم. صاعقه‌ای بر آن‌ها جهید، تمامشان سوختند. موسی تنها ماند. عرض کرد خدایا من هفتاد نفر از بنی اسرائیل را انتخاب کردم و آوردم. حالا اگر تنها برگردم چگونه حرف مرا قبول می‌کنند. اگر می‌خواستی آن‌ها را قبلاً می‌کشتی. با من و به



واسطه حرف مردم نادان ما را هلاک می‌کند. خداوند پس از مرگ آن‌ها را زنده کرد. تمام آنچه برایت نقل کردم نمی‌توانی نپذیری زیرا تورات و انجیل و زبور و فرقان گویای این مطالب است. اگر بتوان هر کس مرده زنده کند و کور و برص و دیوانه را شفا بخشد، خدا گرفت باید تمام این‌ها خدا باشند. نصرانی چه می‌گویی؟

جائلیق: سخن، سخن تو است لا اله الا الله (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲۹۵/۲ - ۲۹۷).

در این مناظره دلیل عقلی امام علیه السلام این است که اگر عیسی علیه السلام را به واسطه برخی معجزات خدا می‌دانید، طبق قاعده عقلی «حکم الامثال فی مایجوز و فی مالایجوز واحد» باید افراد دیگر را نیز که این معجزات را انجام داده‌اند خدا بدانید. این دلیل عقلی مستند ادله نقلی است که امام علیه السلام بیان فرمودند.

۲- ۵. پاسخ به شبهه با نقد و رد مبنا یا لوازم شبهه

در مواجهه با هر شبهه‌ای ابتدا باید مبانی و پیش فرض‌های آن را شناسایی کرد. اگر شبهه بر ریشه و مبنا سستی بنا شده باشد، اولین قدم حمله به پایه‌ها و مبانی شبهه است. با ریختن پایه‌های یک شبهه، کل بنای شبهه فرو خواهد ریخت. برای رد مبنا یا شبهه می‌توان از روش‌های مختلف دفع شبهه استفاده کرد.

گاهی نیز شبهه ناشی از عدم توجه به لوازم ادعا است و اگر شبهه کننده به لوازم ادعایش آگاه شود، دست از شبهه می‌کشد، یا این که شرایط و موقعیت شبهه کننده و مخاطب به گونه‌ای است که نقد و رد لوازم شبهه برای محکوم کردن شبهه‌گر مؤثرتر از رد مبنا یا شبهه است. در این گونه موارد پاسخ‌گو باید از طریق رد لوازم شبهه، اصل شبهه را رد کند.

در میان مناظرات امام رضا علیه السلام از این روش بسیار استفاده شده است. برای نمونه در مناظره با جائلیق، در رد این ادعا که برای حضرت عیسی علیه السلام مقام الوهیت قائل بودند، امام با بیان نکته‌ای ایشان را متوجه لوازم اشتباه سخنشان می‌کنند: اگر حضرت عیسی علیه السلام دارای مقام الوهیت باشند، نباید کسی را عبادت کنند (نک. ۲ - ۱).

۳. منطق حاکم بر محتوای مناظره امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان

۳- ۱. استناد به یقین معرفت شناسانه

در مناظرات امام علیه السلام هر باوری معرفت دانسته نمی‌شود و اساساً شکل‌گیری مناظره بر این اساس

است که باورهایی وجود دارند که معرفت نیستند زیرا دلیل عقلی و مطابق با واقع ندارند. به عبارت دیگر شرطهای لازم معرفت را دارا نیستند. برای نمونه مناظره با سلیمان مروزی: سلیمان درباره یکی بودن اراده و مرید می‌گوید: «این از قبیل علمی نیست که مردم آن را بشناسند یا بفهمند» امام در پاسخ می‌فرماید: «شما علم چیزی را ادعا می‌کنید بدون این که معرفت به آن داشته باشید» (ابن بابویه، بی تا: ۱ / ۱۲۵).

حالت مقابل یقین و معرفت یقینی شک است. شک حالت و گرایشی ذهنی است که در آن فاعل به دو طرف سلب و ایجاب گزاره به طور مساوی اعتقاد دارد. یا دو طرف سلب و ایجاب را نمی‌تواند به لحاظ باور و اعتقاد بر دیگری ترجیح دهد.

با بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام به آسانی می‌توان دریافت که امام علیه السلام تمامی آموزه‌ها و مناظرات خود را مبتنی بر مفروض انگاشتن اصل واقعیت و نیز امکان معرفت انسان به آن و نفی شکاکیت و نسبیت قرار داده‌اند. استفاده از استدلالات منطقی و به کارگیری اصول و قواعد عقلانی در مناظرات امام رضا علیه السلام، و نیز تشویق افراد به فراگیری علم و تکریم و بزرگداشت تفکر و علم، چه در مناظرات و چه در سایر موقعیت‌ها، تأییدی است بر امکان شناخت در اندیشه امام رضا علیه السلام؛ چراکه سزاوار نیست عقلانیت و علم و معرفت و تشویق به علم‌آموزی و تفکر و تعقل چنین مورد توجه باشد اما امکان علم‌آموزی و تفکر که شناخت واقع است، وجود نداشته باشد.

انجام مناظره خود مؤید این نکته است که امکان دستیابی به معرفت وجود دارد؛ هرچند دستیابی به آن امری دشوار باشد. بنا بر این استناد به شک از دیدگاه امام علیه السلام قابل پذیرش نیست. برای نمونه در مناظره با یهودیان و نصرانیان هنگامی که وجود صفات پیامبر و اوصیای ایشان را در تورات و انجیل اثبات می‌نمایند، جاثلیق به ایشان می‌گوید: «ما نمی‌توانیم به نبوت محمد اقرار کنیم، زیرا شک داریم که آن محمد شما باشد». امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «آیا به شک و تردید احتجاج می‌کنید؟» (همان: ۲ / ۶۲۴).

۳-۲. استناد به متواترات

با مراجعه به مناظرات امام رضا علیه السلام این نکته دریافت می‌شود که بیان آن حضرت چه در مقام دفاع، چه در مقام تبیین، همواره با تعقل و خردورزی و به کارگیری اصول و قواعد عقلانی همراه بوده است. بنا بر این عقل - به‌عنوان ابزار شناخت عقلی یعنی شناخت مسائل و قوانین کلی و عام - و

نیز تفکر و استدلال - به عنوان روش شناخت عقلی - پرکاربردترین ابزار و روش در معرفت‌شناسی امام علیه السلام است. نمونه بارز استدلال‌های عقلانی امام علیه السلام را در مناظره ایشان با عمران صابی می‌توان مشاهده نمود (صدوق، ۱۳۷۲: ۱/۳۴۱-۳۵۹).

در مناظره با اصحاب ادیان امام علیه السلام بارها با استناد بر عقل یا عقل مبتنی بر نقل، به شبهات ایشان پاسخ دادند برای نمونه امام رضا علیه السلام این استدلال اصحاب ادیان به پیامبری پیامبرشان مبنی بر این که معجزاتی انجام داده‌اند که دیگران انجام نداده‌اند را با دلیل عقل رد می‌نمایند. چنان که این استدلال هم در مقابل یهودیان و هم مسیحیان و هم زردشتیان استفاده می‌شود برای نمونه در مجلسی که اصحاب ادیان حاضر بودند امام علیه السلام از موبد بزرگ زردشتیان می‌پرسند:

از زردشت به ما خبر بده که به چه دلیل به نبوت او ایمان داری؟

موبد: او معجزاتی برای ما آورده که کسی قبل از او نیاورده؛ با اینکه ندیده‌ایم اما اخبار از گذشتگان به ما رسیده که برای ما چیزی را حلال کرده که دیگری نکرده. به همین جهت پیرو او شده‌ایم.

امام علیه السلام: مگر شما از راه اخبار پیرو او نشده‌اید؟

موبد: چرا.

امام علیه السلام: همین طور سایر امت‌های گذشته به دلیل اخباری که از پیامبران به آن‌ها رسیده و آنچه موسی و عیسی و محمد علیهم السلام انجام داده‌اند، ایمان آورده‌اند. شما چه دلیل دارید که ایمان به آن‌ها نمی‌آورید؟ همان طور که از طریق اخبار متواتری که شاهد است زردشت چیزی آورده که دیگری نیاورده به او ایمان آورده‌اید.

زردشتی در جای خویش فرو ماند و جوابی نداشت (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲/۳۰۳).

۳-۳. استناد به متن مقدس

استفاده از وحی، بر این مبنای فکری مبتنی است که وحی، اطلاعاتی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که با عقل و تجربه قابل دستیابی نباشد. یکی از دلایل عمده بعثت انبیا، ناتوانی عقل در مصالح و مفاسد اجتماعی انسان است. پیامبران آمدند تا مردم را به مطالبی که عقل درک نمی‌کند، بشارت دهند و بترسانند تا مردم حجتی بر خداوند نداشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۷۰: ۱۴۱). این امر تنها شامل استناد به قرآن نیست بلکه استناد به سایر کتب آسمانی است. امام علیه السلام

خود به این مهم اذعان کرده‌اند. آنجا که در جلسه‌ای مأمون از جاثلیق می‌خواهد با امام علیه السلام مناظره کند، وی می‌گوید:

چگونه با شخصی بحث نمایم که به کتابی استدلال می‌نماید که من منکر آن هستم و به پیامبری که ایمان به نبوت او ندارم؟

امام علیه السلام: اگر به انجیل خودت استدلال کنم اقرار می‌کنی؟

جاثلیق: مگر می‌توانم گفته انجیل را نپذیرم. به خدا قسم اقرار می‌کنم گرچه خلاف میلیم باشد (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲/۲۹۳).

از این رو امام رضا علیه السلام بارها در خلال مناظرات به تورات، انجیل و زبور استناد نمودند و بخش‌هایی از این کتاب‌ها را قرائت فرمودند.

از دیگر موارد اشاره به متون مقدس در مواقعی است که امام علیه السلام به باورهای طرف مقابل استناد می‌نمودند. امام رضا علیه السلام در مناظره با اصحاب ادیان با استفاده از کتاب‌های مورد قبول آن ادیان، به اثبات بسیاری از مطالب پرداختند. تا جایی که رأس الجالوت (بزرگ قوم یهود) در این باره خطاب به امام رضا علیه السلام می‌گوید:

«ای فرزند محمد به خداوند سوگند به خداوندی که تورات را بر موسی و زبور را بر داود نازل کرد کسی را ندیدم مانند تو تورات و انجیل و زبور را قرائت کند، و بیانی شیرین‌تر و تفسیری روشن‌تر از بیان و کلام شما ندیدم» (ابن بابویه، بی‌تا: ۱/۶۲۴).

نمونه‌ای از استناد به نقل امام در مناظره با بزرگ یهودیان چنین است:

امام علیه السلام: اکنون فلان سفر زبور داوود را گوش بده.

رأس الجالوت: قرائت کن خداوند به تو و فرزندانت برکت دهد.

حضرت رضا علیه السلام سفر اول از زبور را قرائت کردند، تا آن‌گاه که به نام محمد، علی، فاطمه،

حسن و حسین رسیدند و سپس فرمودند:

ای رأس الجالوت تو را به خداوند سوگند می‌دهم آیا این مطلب در زبور نیست؟ همان‌طور

که به جاثلیق امنیت دادم به تو هم خواهم داد و اگر راست بگویی در پناه من هستی.

رأس الجالوت: آری مطلب شما همین‌طور در زبور هست، و آنان با نام ذکر شده‌اند.

امام علیه السلام: به حق آیات ده‌گانه‌ای که خداوند متعال بر موسی در تورات نازل کرد، آیا صفت

محمد، علی، فاطمه، و حسنین را در تورات دیده‌ای؟ که خداوند آنان را به فضیلت و

عدل ستوده است؟



رأس الجالوت: آری هر کس منکر این حقیقت شود کافر است.
امام علیه السلام: پس اکنون فلان سفر تورات را گوش دهید.

در این هنگام حضرت رضا علیه السلام شروع به خواندن تورات کردند، و رأس الجالوت تعجب می کرد که چگونه آن جناب با فصاحت و بلاغت آن را قرائت می کند. امام علیه السلام تورات را خواند تا به نام حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید. رأس الجالوت گفت: «این احما، و دختر احما، و ایلیا، و شیر، و شبیر که در تورات هست، تفسیرش به زبان عربی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند».

امام رضا علیه السلام آن سفر را تا آخر قرائت کردند. سپس رأس الجالوت گفت: «ای فرزند محمد صلی الله علیه و آله به خداوند سوگند اگر ریاستی که اکنون در میان یهود دارم نبود به احما ایمان می آوردم، و از فرمان تو اطاعت می کردم» (همان: ۶۲۵).

۴. اصول اخلاقی حاکم بر مناظرات امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان

۴ - ۱. به رسمیت شناختن اختلاف سلیقه و اندیشه

به رسمیت شناختن اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و دوری جستن از اهانت به اعتقادات دیگران، یکی از مهم‌ترین راه‌های عملی تحقق تقریب و وحدت است.

این امر از اصول و مبانی اساسی در سیره امام رضا علیه السلام است که بر مبنای تنوع درک و استعدادهای بشری و نیز تنوع سطوح و لایه‌های معرفت استوار است. ایشان با پذیرش تفاوت‌های فکری و اختلاف سلیقه و طبایع انسانی، و وجود لایه‌های مختلف معنایی در معارف بشری و آموزه‌های دینی، آثار و لوازم طبیعی و معقول آن را نیز به رسمیت می‌شناختند؛ و بر آن بودند تا در مناظرات خویش، با جهت‌دهی صحیح این اختلافات به مشترکات دینی بپردازند و با گشودن باب اجتهاد بر پایه معیارهایی چون قرآن و سنت صحیح و تعقل، زمینه را برای ظهور بیشتر آزادی و رشد اندیشه‌ها فراهم نمایند. چنان‌که در خلال مناظره با اصحاب ادیان نه تنها به سخنان آنان به دقت گوش فرا می‌دادند، بلکه به آنان اطمینان قلبی می‌دادند که در برابر بیان عقاید خود امنیت جانی آنان از طرف امام علیه السلام حفظ خواهد شد (همان: ۶۲۶/۲).

۴ - ۲. اصل همراهی و ایجاد اعتماد

هدف امام رضا علیه السلام - که هادی و راهنمای بر حق انسان‌ها است - از انجام مناظرات تنها به

مباحث علمی منحصر نمی‌شد، بلکه ایشان سعی می‌کردند در عمل نیز افراد را به راه حق و حقیقت هدایت نمایند. برای نمونه امام رضا علیه السلام در مناظره با بزرگ میسحیان علاوه بر آن که به صورت نظری به او پیروز می‌شوند و اثبات می‌کنند که اسلام دین حق است، بیان می‌کنند که اگر اسلام بیاورد در عمل نیز او را حمایت خواهند کرد و با روی باز او را خواهند پذیرفت.

جائلیق: ما نمی‌توانیم به نبوت محمد اقرار کنیم، زیرا شک داریم که آن محمد شما باشد. امام علیه السلام: به شک و تردید احتجاج می‌کنید؟ آیا خداوند قبل از عیسی و یا بعد از او از فرزندان آدم کسی را به نام محمد به‌عنوان رسالت برگزیده است؟ و آیا غیر از محمد ما پیغمبر دیگری مبعوث شده که شما در آن شک و تردید داشته باشید؟

جائلیق: ما نمی‌توانیم به گفته‌های شما معتقد گردیم و اگر قبول کنیم از روی کراهت در اسلام داخل شده‌ایم.

امام علیه السلام: ای جائلیق تو در امان هستی و اگر مسلمان شوی در پناه خدا و رسولش هستی، و از ما به شما صدمه و ناراحتی نخواهد رسید، و در آسایش زندگی خواهید کرد (همان: ۶۲۴).

۴ - ۳. سعه صدر

امام علیه السلام با گروه‌ها و افراد مختلف با سطوح فهم متفاوت مناظره کرده‌اند. ایشان گاه با مسلمانان و گاه با پیروان دیگر ادیان، گاه با زنادقه و گاه با متکلمان فرقه‌های دیگر اسلامی سخن می‌گفتند. با وجود این، با همه این گروه‌ها با سعه صدر برخورد می‌نمودند. نمونه بارز آن در مناظره با اصحاب ادیان است. که اگرچه مناظره طولانی بود امام علیه السلام با سعه صدر با نمایندگان هر سه دین یهودی، مسیحی و زردشتی به مناظره می‌پردازد و به هرکدام به مقتضای سطح درک و فهم ایشان پاسخ می‌گویند.

۴ - ۴. گوش دادن به سخن طرف مقابل

امام علیه السلام در طول مناظرات همواره به سخنان مخاطب خود گوش می‌دادند حتی اگر چند بار سخن اشتباهی را تکرار می‌کرد (همان: ۱۲۹/۱). ایشان به مخاطب اجازه می‌دادند سؤالات خود را بپرسد و در پاسخ حد سخن را نگه می‌داشتند و از جملات طولانی و تکراری استفاده نمی‌کردند.

همچنین تسلط ایشان به فضای مناظره، شناخت کامل مخاطب از نظر علمی و روحی، و برخورد مناسب با هر کس به مقتضای علم و دیدگاه او از ویژگی‌های مناظرات ایشان بود. ایشان در مناظره بسیار خوش برخورد بودند و از کلام ایشان مشخص بود که برای راهنمایی و هدایت فرد با او سخن می‌گویند. به همین جهت مخاطب سخن ایشان را می‌پذیرفتند و مجذوب کلام ایشان می‌شد. ایشان همواره به مقبولات طرف مقابل استناد می‌کردند و این در پذیرش مخاطب اثر بسیاری دارد چنان‌که در مناظره با مسیحیان سخن خود را به انجیل مستند می‌فرمودند و در مناظره با یهودیان سخن خود را به تورات و زبور و در مناظره با فرقه‌های مختلف اسلامی به قرآن استناد می‌نمودند.

۴ - ۵. حفظ کرامت انسان

از مطالعه سیره امام علیه السلام خصوصاً در برخورد با دانشمندان سایر ادیان و مذاهب به این نکته می‌رسیم که سلوک و سیره امام علیه السلام بر مبنای اصل «کرامت انسانی» و ارزشمندی وجود بشر استوار شده است.

دعوت به اندیشه و تعقل، رعایت اخلاق و احترام مخاطبین، حتی در جایی که طرف مقابل پایبندی به آن ندارد و یا ادعای او صد درصد باطل است، نشان از اعتقاد به اصل کرامت انسانی است.

برخورد امام علیه السلام خصوصاً با بزرگان ادیان و مذاهب به گونه‌ای است که شائبه هرگونه خودمحوری و تلاش برای اثبات منطق خویش - به هر طریق - را از ذهن می‌زداید. امام علیه السلام از مغالطه و به انحراف کشیدن بحث، برجسته کردن ضعف طرف مقابل، توهین و تمسخر مخاطب و مقدسات او همواره پرهیز داشتند؛ این در حالی است که بارها و بارها مخاطبان آن بزرگوار از طریق انصاف و اعتدال خارج شده و با مغالطه و جدال سعی در شکست ایشان داشتند؛ برای نمونه می‌توان به گفت‌وگوی امام علیه السلام با جاثلیق اشاره کرد. او از کوچک‌ترین فرصتی در جهت نقد شخصیت امام علیه السلام و تحقیر و کوچک کردن ایشان استفاده می‌نمود (مجلسی، ۱۳۷۶: ۲/۲۹۳).

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی روش‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان دیگر پرداخت، که علاوه بر آشکار کردن وجهه علمی و اتقان کلام امام علیه السلام، سعی کرد الگوی روشی

صحیح در تبیین و اثبات دین، با استفاده از مناظرات آن حضرت به دست دهد. این تحقیق دارای نتایج نظری و عملی است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. با نگاه به برخی از تفاوت‌های انسان‌ها، این نکته آشکار می‌گردد که آدمیان از نظر معرفت‌شناسی و فهم مطالب در سطوح مختلفی قرار دارند. لذا پیامبر بزرگوار اسلام توصیه می‌نمودند که با مردم به اندازه عقلشان سخن گفته شود. امام رضا علیه السلام نیز - که از صلاحه پاک آن حضرت بودند - همواره این نکته را مورد توجه قرار می‌دادند. از بررسی برخی مناظرات عالم آل محمد علیه السلام با اصحاب ادیان نتیجه می‌گیریم امام علیه السلام با توجه به تفاوت‌های معرفت‌شناسی افراد از روش‌های مختلفی استفاده می‌نمودند. برای نمونه برای برخی افراد، تنها از براهین مبتنی بر نقل استفاده می‌کردند و برای دسته‌ای دیگر، از براهین مبتنی بر عقل و مستند به نقل بهره می‌بردند. همچنین به برخی از شبهات با روش نقضی پاسخ می‌گفتند و درباره برخی افراد دیگر، از روش‌هایی چون اقرار گرفتن، نشان دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده و نقد و رد مبنا یا لوازم شبهه استفاده می‌نمودند.

۲. از نظر محتوایی امام علیه السلام به خوبی از دو منبع عقل و وحی بهره برده‌اند. ایشان چه در مقام دفاع و چه در مقام تبیین، همواره از اصول و قواعد عقلانی استفاده می‌کردند تا جایی که عقل - به‌عنوان ابزار شناخت مسائل و قوانین کلی و عام - و نیز تفکر و استدلال - به‌عنوان روش شناخت عقلی - پرکاربردترین ابزار و روش در معرفت‌شناسی امام علیه السلام است. همچنین ایشان در استفاده از محتوای وحی، آن را به قرآن محدود نمی‌کردند و در گستره بسیار وسیعی از سایر کتب آسمانی نیز استفاده می‌نمودند.

۳. از نظر عملی برخی اصول اخلاقی حاکم بر مناظرات امام رضا علیه السلام با اصحاب ادیان کشف گردید. آن بزرگوار علاوه بر بیان مباحث نظری در مناظرات، همواره سعی می‌کردند در عمل نیز افراد را به راه حق و حقیقت هدایت نمایند. امام علیه السلام دارای سعه صدر مثال زدنی بودند و در برابر افراد با سطوح مختلف هرگز از مسیر بردباری خارج نمی‌گردیدند. ایشان در مناظرات اختلاف سلیقه و اندیشه‌ها را به رسمیت می‌شناختند و در طول مناظرات، همواره به سخنان مخاطب خود گوش می‌دادند؛ حتی اگر چند بار سخن اشتباهی را تکرار می‌کرد. آن حضرت علیه السلام با اصل قرار دادن کرامت انسان‌ها فارغ از دین و مذهب آن‌ها، همواره بر اصل احترام به مخاطب پافشاری می‌کردند.

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (بی‌تا). عیون أخبار الرضا علیه السلام، مترجم: محمدتقی آقا نجفی اصفهانی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة؛
۲. ابن سینا. (۱۴۰۴). تعلیقات، بیروت، مکتبة الاعلام الاسلامی، چاپ اول؛
۳. استالی‌براس، الیور و آلن بولاک. (۱۳۶۹). فرهنگ اندیشه نو، ترجمه احمد بی‌رشک و دیگران، تهران: مازیار؛
۴. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۸). «روش‌شناسی علوم با رویکرد اسلامی»، پژوهش، شماره ۲؛
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۰). شناخت‌شناسی در قرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم؛
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۲ق). معجم مفردات الفاظ القرآن، المکتبه المرتضویه؛
۸. سجادی، جعفر. (۱۳۶۶). فرهنگ معارف اسلامی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران؛
۹. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: صدوق؛
۱۰. غرویانی، حمیده. (۱۳۸۷). فن مناظره، زیر نظر محسن غرویانی، قم: دارالعلم؛
۱۱. فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۹۰). روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛
۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۷۶). بحار الانوار، تهران: کتابفروشی اسلامیة؛
۱۳. ———. (بی‌تا). احتجاجات، ترجمه جلد ۹ بحار الأنوار، مترجم موسی خسروی، تهران، اسلامیة.